



۱۶ آذر نماد نقش پیشرو دانشجویانی است که نیاز زمان را دریافتند

۱۶ آذر ۱۳۳۲ تبلور مبارزات آزادیخواهانه و ضد امپریالیستی توده های مردم ایران در جنبش دانشجویی و نماد نقش پیشرو دانشجویانی است. که نیاز زمان را دریافتند و نشان دادند که ارتقای سطح دانش و معلومات علمی در نزد بخش زیادی از دانشجویان

و جوانان جامعه ما با درک آنها از علل وضعیت فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی جامعه و نقش روبنای سیاسی و عوامل خارجی در پیدایش و تداوم این وضع ملازمت دارد و بنا بر این در جریان کشمکشهای اجتماعی و طبقاتی نمیتوانند خنثی عمل کرده و تنها نظاره گر صحنه مبارزه باشند و همین درک و عمل بود که حرکت اعتراضی دانشجویان در آن مقطع را به یک اقدام تاریخی و نمادی از انقلابی گری و آزادیخواهی جنبش دانشجویی تبدیل کرد.

امروز نزدیک به ۴۰ سال از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ سپری میشود طبعاً جنبش دانشجویی ما در این دوره فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته و تجربیات زیادی اندوخته است و برغم افت و خیز ها و پیشروی و عقب نشینیها ، اما خود را با ضربان نبض جنبش های اجتماعی سوسیالیستی و آزادیخواهانه جامعه هم آهنگ کرده است و در مقاطع حساسی نقش پیشرو در این جنبش ها ایفا نموده است.

امروز که جهان در بحران نظام سرمایه داری میسوزد و امروز که کشورهای منطقه شاهد اعتراضات و اعتصابات و قیامهای متعدد علیه حاکمیت زور و سرکوب و ستم استثمار طبقه حاکم کشورهای خود هستند در این میان ایران نیز نه تنها تافته ای جدا بافته از این تحولات نیست که بتواند از تاثیرات آن مصون بماند بلکه جامعه ما چه بواسطه بحران اقتصادی و سیاسی و چه

بقیه در صفحه ۳

اشغال وال استریت: خوشه های خشم ۹۹ درصدی ها

نوشین شفاهی

این جنبش با واکنش گسترده و جهانی آن، همچون اکثر جنبشهای اخیر در یونان، لندن، پاریس، ایران و آفریقا و کشورهای عرب اگرچه با جوانان آغاز شد، ولی با ادامه اش نه تنها بزرگتر بلکه متنوع تر، از هر بخشی از جامعه، مردم بسیاری را بخود جذب کرده است.



توده های مستقل بسیاری و گروه های مختلف مدافع حقوق بشر، فعالین عدالت اجتماعی و نهادهای کارگری و فعالین حقوق مهاجرین - رنگین پوستان و... خیابانهای اطراف وال استریت را همچنان در قبضه دارند. بالغ بر ۷۰٪ این جمعیت هودار و یا عضو هیچ جریان و گروه سیاسی خاصی نیستند و بشکل خودجوش و مستقل در این جنبش حضور پیدا کرده اند که بیشتر نیمی از اینان درآمدی زیر ۲۴ هزار دلار در سال دارند. با توجه به اینکه قریب به ۶۵٪ آنها را جوانان زیر ۳۰ ساله تشکیل میدهد که این ویژگی یکی از عمده ترین خصیصه مشترک تمام خیزشهای چند ساله اخیر، از ایران گرفته تا آفریقا و خاور میانه و یونان و لندن و پاریس بوده است. به اعتقاد این جوانان مسئله دیگر سر هیاوهی سرمایه داران و بحران مالی اش نیست بلکه دزدی و غارت آشکارا و بیشرمانه آنان به تمامی عرصه های اجتماعی و تحمیل یک زندگی نکبت بارتر بر لایه های بی درآمد و کم درآمد اجتماع است.

اینان علیه این کودتای کورپراتیوها به خیابان آمده اند. این متحصنین دقیقاً میدانند علیه چه سیستمی بمیدان آمده اند شعارها و نوشته ها بروشنی مبین این آگاهیست و وقوف کامل از یک مبارزه گلوبالی علیه یک دشمن مشترک با مطالبات مشترک بدست میدهد. شعار " ما ۹۹٪ هستیم" کیفرخواست اکثریت توده ها علیه ساختاری فقر آفرین است. ما ۹۹ درصد هستیم قدرت برجسته توده هایی را بنمایش میگذارد، که رک و پوست کنده خواهان انقلاب هستند. به این دلیل ساده که مطالبه " یک دنیای بهتر" از توان سرمایه داری خارج است. از میدان تحریر و خیابانهای نیویورک گرفته تا آتن و ایندیگنادوس اسپانیا، شعار اصلی این توده ۹۹٪ این بوده که خود میخواهند سرنوشتشان را خود رقم بزنند نه آن ۱٪ راهزنی که آن بالا نشسته اند که

بقیه در صفحه ۲

در این شماره ...

- اشغال وال استریت ... صفحه اول
- ۱۶ آذر نماد نقش پیشرو ... صفحه اول
- به یاد ستار خان ... صفحه ۴
- ترور معمر قذافی و ... صفحه ۴
- مصیبت دیدگان زلزله کردستان ترکیه ... صفحه ۴
- بیم و امید (شعر) ... صفحه ۶

اشغال وال استریت ...

مسبب تمام این نابسامانی و مصائب هستند. گراف هایی که در زیر می آید توسط تظاهرات کننده های وال استریت پخش شده است که نشانگر سودآوری کورپراتیوها است که بالاترین رکورد سود دهی این موسسات از ۶۰ سال قبل تایحال نمایان میکند. همانطور که از گراف پیداست در سال ۲۰۰۸ تقریباً ۵۰٪ افت داشته و تا سال ۲۰۱۰ این تقلیل بسرعت ترمیم شده و به مبلغی در حدود ۱۶۰۰ میلیارد در سال رسیده است. نتولیر الیسم برای فرار از عواقب بحران دست کورپراتیوها را در دستبرد به تمام هستی توده ها کاملاً باز گذاشتند و با وقف مسکن و مصادره کردن اموال توده های مقروض، کاهش خدمات اجتماعی و ناپدید شدن شغل‌های بسیاری، میلیونها نفر را بخاک سیاه نشانده اند.

به گزارش بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا یا «فدرال رزرو»، طبقه ۱٪ سرمایه دارهای آمریکا مالک بیشتر از نیمی از موجودی مالی کل آمریکا هستند. یعنی آنها رقمی بیش از ۱۶ تریلیون را از کل ثروت ملی کنترل میکنند، چیزی بیشتر از مجموعه ۹۰ درصدی که متعلق به بخش تحتانی جامعه هستند. طبقه متوسط و اقشار میانه هم بسرعت در حال پولاریزه و در غلطیدن به صف طویل کم درآمدان و بیکاران هستند و سود سالیانه ۱ درصدی که در رأس قرار گرفته از هر زمانی تا بحال بیشتر بوده است. زمانی بخاطر همین مبارزات و اعتراضات و ترس از انقلاب، دولت رفاه را بوجود آورد، که یک تور اجتماعی نجات، برای توده های فقیر محسوب میشد و در واقع افساری بر دهنه اسب انقلاب سوسیالیستی. ولی همین خدمات یکی پس از دیگری به بخش خصوصی واگذار میشود. نتیجتاً این جهنم نکبتی است که بعنوان زندگی تحمیل بقیه کرده اند. و انصافاً هم مردم ایندفعه مجرم واقعی را مورد هتک قرار داده اند.

دستاوردها و فقدان رهبری

طبیعی است با اینهمه حسن نیت نسبت به انگیزه ها و اهداف انسانی این جنبش، نکته کلیدی را که باید به آن اشاره کرد این است که آیا این جنبش از آنچنان انسجام و دوراندیشی مبارزاتی برخوردار هست که بتواند دوام قابل توجهی بیابد؟ آنقدر که یک خیابان را به یک کارخانه پیوند دهد و کارگران را بمیدان بکشاند. و این امری اتفاق نیافتاده نیست و شدنی است ولی نیاز به کار بیشتر و خلاقیت دارد که هم بتواند با زمستان و محدودیتهایی که با سرما و یخبندان پیشروی است، سنیز کند و هم توده های در گیر این جنبش را فرسوده نکند.

طبیعتاً بطور غیر قابل انکاری این جنبش توانسته است که افکار توده های مبارز و محروم بسیاری از کشورهای دنیا را نسبت به قدرت خود و مبارزه شان جلب کند و همینطور با بسیج کردن و سازمان دادن یکی از بزرگترین تظاهرات آمریکا، بسیاری از شهرهای دنیا را هم گالوانیزه کند. یک واکنش عمومی و غیر قابل اجتناب به یک بحران عظیم جهانی. این یکی از برجسته ترین دستاوردها این جنبش بوده است که براساسی ثابت میکند در عصر ارتباطات مدرن، سازماندهی زحمتکشان دنیا امری شدنی است اگرچه نیاز به هماهنگی بیشتر و هوشیارانه دارد تا بتواند این همبستگی را بشمر برساند. و این جایی است که جنبش در شکل کل اش از آن عاریست. متأسفانه مثل آنچه که ما چند دهه است که در ایران و در بین نسل جوان انقلابی دیده ایم و می بینم، پافشاری بر رد تشکیلات و سازمانهای سیاسی، که میتواند امر بسیج و هماهنگ کردن این مبارزات را بعهده داشته باشد. و این نه فقط پدیده ای منحصر بفرد در شرایط دیکتاتوری زده ایران و نبود جنبش سازمانده چپ و رادیکال در ایران از دهه ۶۰ به بعد، بلکه بعنوان یکی از تجلیات فرهنگ و بینش پست مدرنیسمی است که فرد گرایی و تشکل گرایی را تجلیل و بمثابه یک ارزش نهادینه کرده است.

فرد گرایی را - حتی در دل همین جنبشهای بزرگ و قوی- یک عامل تعیین کننده برای مقابله با استبداد سازمانی و ایدئولوژیک، تشویق میکند. این بینش، سازمان، حزب و هر تشکیلاتی را یک باند تعریف میکند که آزادی و شور مبارزاتی را گویا اگر نه به غارت، که به هرز می برد. آری طبق گفته فعالین اش، این یک جنبش خودجوش و بدون رهبری است و هیچ

تشکیلات منسجمی (غیر از کمیته های هماهنگ کننده جنبش که خود نیز خودبخودی در راستای تحولات جنبش شکل گرفته) آنرا هدایت نمی کند. مطالباتشان را اوضاع تعیین، و شکل مبارزاتی شان هم از دیگر مبارزات دنیا آداپته کرده اند، عموماً خواهان خاتمه دادن این اوضاع دهشت باری حاصل از بحران هستند.

و در کنار همین مطالبه مرکزی که حلقه مشترک قیامهای خیابانی یونان و اسپانیا و فرانسه و بهار عرب بود؛ اکثریت این جنبش اشغال، یک دنیای بهتر را میخواهند. دنیایی که منافع این ۹۹٪ را دنبال و تامین کند. و از بنرها و شعارهایشان میشود استدلال کرد که صریحاً و به روایت خودشان، آنان این زندگی بهتر را درخواست نمی کنند بلکه در مسیر ساختن آن هستند. یعنی بزبان خودمانی، ما پوزه این ۱٪ را بخاک می مالیم و بعد خودمان حاکم سرنوشت خویش خواهیم شد. این به روایت مبارزه و فرهنگ انقلاب، معنی اش فقط یک چیز می تواند باشد و آن خود "انقلاب" است آنهم از نوع سوسیالیستی اش.

آنچه که تجربه و تاریخ مبارزه هم بما میگوید، که وسط گرمای مبارزه بدترین وقت برای چکنم چکنم های سیاسی و تاکتیکیهای مبارزاتی و شور کردن با گرایشات و نظرات دگر (حالاً نه الزاماً مخالف) است. اینجاست که فرهنگی که میل دارد خود را بر این جنبش و دیگر جنبشهای الهام گرفته از آن مسلط کند، مصرانه مدعی است که بدون ایدئولوژی و رهبری است و قاطعانه میخواهد آنچنان هم بماند.

مشکل اینجاست که ما هیچ جنبش خودبخودی را سراغ نداریم که به آنچه که در دستور کارش بوده است جامه عمل بپوشاند، چرا که براحتی توسط طبقات غیر کارگری مصادره شده و نهایتاً هم طبقات محروم همچنان در همان تحتانی ترین لایه جامعه طبقه بندی شده میمانند.

توده های بسیاری که در این جنبش فعالانه شرکت دارند عمیقاً اعتقاد دارند که میشود پوزه کورپراتیوها را بر زمین زد و میشود طور دیگری زیست که نمیخواهند هیچ دری بر پاشنه ۱٪ بالانشین دیگر نه تنها نچرخد، بلکه اساساً آن ساختاری که در آن احتمال داره باز بذاره، رو منهدم کنند و مطمئن باشند که هیچ دری هیچوقت بر منافع آنان باز نخواهد شود. یک اتوپیایی بسیار خوشایند ولی مجازی شاید. ساختار عوض کردن بدون حضور طبقه ای که کسب و کار و آینده اش ناچاراً به انقلاب کردن رقم زده شده و بدون حضور اکثریت این ۹۹٪ - طبقه کارگر- اتفاق آنچنانی هم اگر بیافتد قوام و دوام نخواهد داشت.

اگرچه بخشی هم از این متحصنین خود عضو و فعال احزاب و سازمانهای خاصی هستند ولی تمایل عمومی ای که بر مستقل ماندن پافشاری میکند، در اکثریتند و بسیار بی اعتماد به سازمانها و نهادی تشکیلاتی. البته در کیس های خاصی شاید باید به اینان حق داد که در مواردی ممکنه نگران کننده باشد (که در آن صورت باید هوشیارانه و با زیرکی بلشویکی به آن برخورد کرد) و آن اینکه نمی خواهند وارد مناسبات بوروکراتیک اتحادیه ها بشوند و جنبش را به پای میز معامله با موسسات وال استریت بکشاند و به به مصادره کردن دستاوردهایشان کشیده بشه یا استفاده تبلیغی در خدمت برنامه های سیاسی شان.

و کم هم نیستند اتحادیه هایی که از دمکراتها حمایت میکردند و در حال حاضر، درگیر آمادگی برای کمک رسانی به کمپین انتخاباتی دموکراتها در ۲۰۱۲ هستند. برای مثال (AFL-CIO) که یکی از حامیان دمکراتها در کمپین انتخاباتی سال آینده هستند).

طبقاً این جنبش در ادامه مبارزه اش متحولتر خواهد شد و قوام بیشتری پیدا خواهد کرد. شرکت فعال سوسیالیستها و تشکیلات ها و اتحادیه ها مطمئناً آینده این جنبش و جنبشهای محتمل آتی را میتواند رقم بزند.

و به بروز پیامدهای رادیکالترش و پتانسیل ادامه دار کردنش کمک میکند و برای زنده ماندنش در سرما و شرایط نامساعد زمستان با فرمهای دیگر اعتراضی چاره اندیشی کند. شکی نیست که این جنبش، آمریکا را به عنوان زادگاه سومین جنبش انقلابی جهانی، در تاریخ مبارزات توده ای در کنار هشت مارس و اول ماه مه به ثبت خواهد رساند. ■



بواسطه تداوم حاکمیت استبداد دینی آپستن تحولات اجتماعی مهمی است. علاوه بر وضعیت داخلی که اعتصابات و اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و سایر زحمتکشان را بر علیه طبقه حاکم و دولت مذهبی آن اجتناب ناپذیر ساخته است، بحران ناشی از فعالیت های اتمی، محاصره اقتصادی و احتمال حمله نظامی، شرایط دشواری را بر زندگی توده عظیم کار و زحمت تحمیل نموده است. در چنین شرایطی است که حکومت برای جلوگیری از اعتراضات گسترده و قیام علیه حاکمیت اش به زور و سرکوب بیشتر متوسل میشود و از طرفی، هرچه نفرت توده های مردم از این حاکمیت افزون تر بشود و هرچه ضریب احتمال خیزشهای مردم بالا برود، کشورهای غربی و در راس آن آمریکا تلاش خواهند کرد در سر بزنگاه با مداخله سیاسی و یا نظامی خود، از افتادن جنبش در مسیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی راندیکال جلوگیری کرده و حکومت دلخواه خود را بر سر کار بیاورند. بنا بر این در این برهه و وظیفه جنبش دانشجویی باید بتواند به سهم خود در اثناء سطح آگاهی جامعه و شناساندن دوستان و دشمنان توده های مردم نقش موثری داشته باشد و به فعالیت تبلیغی و ترویجی در جنبش دانشجویی و سایر جنبش های اجتماعی همت گمارند. دانشجویان پیشرو و مبارز باید بتوانند از منظر سوسیالیسم در تدوین مطالبات و شعار های این جنبش ها نقش فعالی بر عهده گیرند. از افتادن حرکت های اعتراضی در دام جناح های متعارض طبقه حاکم و دستگاه دولتی آن جلوگیری بکنند. همچنین خطرات دخالت امپریالیستها و بیگانگی منافع آنها را با منافع توده های زحمتکش مردم بر ملا سازند و بدینوسیله هم در ایجاد زمینه قیام توده ای علیه نظم حاکم و هم در تدارک و آمادگی برای سرنوشتی آن و استقرار حاکمیتی عاری از ستم و اشتثمار و زور سرکوب سهم خود را ادا کنند.

گرامی باد یاد و خاطره دانشجویانی که در ۱۶ آذر ۱۳۲۳ جان خود را در راه آزادی فدا کردند

گرامی باد یاد و خاطره همه دانشجویانی که طی تاریخ مبارزات اجتماعی و طبقاتی ایران در کنار توده های زحمتکش جامعه قرار گرفته و برای تحقق اهداف و آرمانهای انسانی آنها از بذل جان خود دریغ نکردند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

به یاد ستار خان سردار ملی

ستار قره داغی در ۲۸ مهر سال ۱۲۴۵ خورشیدی مطابق ۲۰ اکتبر ۱۸۶۶ میلادی در روستای بیشک (سردار کندی فعلی) بدنیآ آمد.

وی از همان اوان جوانی به داشتن روحیه ای ظلم ستیزی شهره بود و در مقابل زورگوئی و ستمگری اربابان و مامورین دولتی به یاری و حمایت فقرا و زحمتکشان برمیخواست. با آغاز جنبش ضد استبدادی مردم ایران، ستار نیز به صفوف مجاهدین تبریز پیوسته و در اندک مدتی بدلیل قابلیت های نظامی خود به چهره ای شاخص در میان آنان تبدیل گردید.

وقتی در ۳ تیر ۱۲۸۷ \ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی به دستور محمد علیشاه، مجلس بدست لیاخوف روسی بمباران و انقلابیون و مبارزین قلع و قمع گردیدند؛ خیلها آغاز سیطره ای استبداد و پایان کار مشروطه و مشروطه خواهی را قطعی دانسته و اقدام به خروج از کشور نمودند.

اما درست از همان روز سوم تیر، یعنی روزی که محمد علی شاه گرد مرگ را بر فراز تهران پاشیده بود؛ در تبریز تاریخ به طریقی دیگری ورق خورد و یک مقاومت مسلحانه ای توده ای در مقابل کودتاچیان آغاز گردید. مردم تبریز که تحت رهبری انجمن غیبی با سازماندهی مناسب و آموزش نظامی، خود را برای روزهای سخت آماده کرده بودند، دست به عمل متقابل در مقابل کودتاچیان زده و مقابله مت ۱۱ ماهه ای سخت و طاقت فرسای را آغاز



آوازه ای شهرت ستار که اینک در نتیجه ای تیز هوشی، کاردانی و نبوغ بی نظیر نظامی خود در راس دسته های مجاهدین قرار گرفته بود به ورای مرزها رفته و خیلها در اروپا او را با گاریبالدی رهبر جنبش وحدت ایتالیا مقایسه میکردند. ۱۱ ماه مقاومت بی امان و نفس گیر در مقابل دهها هزار نیروی مهاجم، مجاهدین و رهبر بی همتای آنان یعنی ستار خان را به فولاد آبدیده تبدیل کرده بود. بیباکی و شجاعت مثال زدنی این فرزند برومند آذربایجان موجی از ترس و دلهره در صفوف دشمنان و شوقی از امید و آرزو در دل آزادی خواهان برانگیخته بود. بارها در طول این جنگ نابرابر، زمانی که فزونی شمار مهاجمین و زیادی قدرت آتش آنان، سایه های از ترس و ناامیدی و تسلیم پذیری را در میان مدافعین گاه گاه کم شمار شهر می انداخت؛ این فقط و فقط تزلزل ناپذیری، بصیرت و درایت نظامی ستار خان بود که اردوی انقلاب را از اضمحلال و فروپاشی نجات میداد. هنوز هم که هنوز است، طنین آواهای استوار سردار رزم و جنگ در کوچه پس کوچه های تبریز به گوش میرسد که در گرما گرم تشویق و تشجیع انقلابیون به حمله و فتح سنگر های مستبدین می غرد و میگوید که از کم کمتر و از زیاد زیادتر کشته میشود. در این حیص و بیص رسیدن نیروهای اعزامی حزب سوسیال دموکرات روسیه (بلشویک) به تبریز و بمب اندازی فدائیان ارمنی و گرجی به همراهی تله ها و بسته های انفجاری حیدرخان عموواغلو، شعله های مقاومت را فروزانتر و امیدهای دشمنان را تیره و تار کرده بود. سرانجام در نتیجه ای دفاع استوار و بی تزلزل مردم تبریز به رهبری ستار خان و باقر خان عرصه بر نیروهای دولتی تنگ شده و ناچاراً دست از محاصره تبریز کشیدند. مخبر السلطنه هدایت (بعدها قاتل شیخ محمد خیابانی) که بعد از بمباران مجلس به خارج از کشور رفته بود اینک برای میوه چینی از انقلاب توده های ستمدیده برگشته و از طرف حکومت برآمده از انقلاب - و نه الزاماً انقلابی - به والیگری تبریز منصوب گردیده بود. هدایت به محض ورود به تبریز دست در دست حکومت استعماری روسیه گذاشته بنای مخالفت و توطئه را علیه سردار و سالار گذاشت.

لازم به یادآوری است که بعد از شکست محاصره ای تبریز، عده ای از کسانی که در صفوف نیروهای دولتی علیه مدافعین انقلابی تبریز جنگیده بودند، اینک خود را به ستار خان و باقر خان تسلیم و تقاضای عفو و بخشش می نمودند. این دو رهبر برجسته ای انقلاب نیز آنها را بخشیده و از سر تقصیر ایشان گذشته بودند. آقای مخبر السلطنه با این تصمیم مخالفت کرده و آنرا دستاویز تبلیغات کین توزانه ای خود علیه سردار و سالار قرار داده بود.

ما ضمن ابراز همدردی عمیق خویش با داغدیدگان این حادثه و تسلیت به بازماندگان زلزله کردستان ترکیه گفتار و اعمال غیر انسانی حکومت فاشیست ترکیه را قویا محکوم نموده و افکار عمومی را به مقابله با حکومت فاشیست ترکیه و کمک با مردم داغیده کردستان ترکیه فرا میخوانیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی

زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی ایران!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - کمیته ایالتی کردستان

ترور معمر قذافی و آینده لیبی

م.راد

نوزده اکتبر خانم هیلری کلینتون وزیر خارجه آمریکا بطور سری وارد تریپولی پایتخت لیبی شد و با عدیل جلیل، محمد جبرئیل و علی طار هونی اعضاء اصلی (NTC) با حضور خبرنگاران سخنان زیر را ایراد کرد و درست روز بعد قذافی ترور شد.

"We hope he can be captured or killed soon so that you don't have to fear him any longer."

"امیدواریم شما معمر قذافی را بزودی دستگیر یا بقتل برسانید تا بیش از این از او ترس نداشته باشید"

بر طبق گزارش راشیا تودی دیروز با بمباران باقی مانده شهر ۱۵۰,۰۰۰ نفری سیرت پایگاه مقاومت کاروانی از ماشین ها در حومه شهر مورد حمله هواپیماهای ناتو قرار گرفت و ضمن کشتار همه اعضاء و سرنشینان این اتوموبیلها ادعا شد که معمر قذافی زخمی شده و توسط طرفداران غرب در محل کشته شده است در این گزارش آمده بود که نیروهای ویژه ناتو در ترور او دست داشته و برای آنکه افکار عمومی را بر علیه خود بسیج نکند آنرا به وحشی گریهای طرفداران غرب در شهر سیرت نسبت داده اند.

همین عمل غیر انسانی و بر خلاف تمامی موازین بین المللی بسرعت در افکار عمومی جهان بیک معضل بزرگ برای کشورهای حامی جنگ از جمله چهار کشور تحقیر شده غرب آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا شده تا جایی که سازمان ملل که در این کشتار و جنایت در لیبی مستقیما دست داشته دستور تحقیقات در این مورد را صادر کرده است.

حمله به لیبی بر خلاف تصور از هفت هشت ماه پیش شروع نشده بلکه از همان اوایل انقلاب این کشور آغاز و در زمان ریگان هم به بهانه حمله بیک هواپیمای مسافری بارها مورد حمله قرار گرفت در این حمله بسیاری از تاسیسات زیر بنایی منهدم و تعداد زیادی از جمله اعضاء خانواده قذافی کشته و زخمی شدند. شرایط در آن موقع مناسب برای اشغال لیبی نبود در نتیجه آمریکا و ناتو بهمین عکس العمل اکتفا کردند ولی مسئله لیبی را پایان یافته تلقی نکرده و منتظر فرصتی بودند تا کار را یکسره و لیبی را به مستعمرات خود تبدیل کنند.

لیبی در حدود یک ملیون و هشتصد هزار کیلومتر مربع وسعت، جمعیت آن ۶,۵ ملیون نفر، در آمد ناخالص این کشور در حدود ۶۰ میلیارد دلار و درآمد سرانه در حدود ۱۰,۰۰۰ دلار در سال است. لیبی از منابع بسیار غنی نفت با درجه خلوص بالا بر خوردار است که استخراج و تسویه آن بسیار ارزان تر از نفت خام سنگین است.

استاندارد زندگی در لیبی از تمامی کشورهای آفریقایی بالاتر و همه افراد این کشور بر طبق قانون که اجرایی هم شده از تحصیلات رایگان تا پایان دانشگاه، بیمه درمانی رایگان و مسکن رایگان برخوردار بودند. تضمین کار برای همه افراد ی که قادر بکار کردن بودند قانونی تضمین شده ای بود

بقیه در صفحه ۵



به یاد ستار خان سردار ملی در هر حال در پی فشارهای دولت روسیه، حکومت مرکزی ایران با ارسال تلگرافی ستار خان و باقر خان را به تهران فراخواند.

این دو رامرد بزرگ نیز در ۲۸ اسفند ۱۲۸۸ در میان بهت و حیرت و اندوه فراوان مردم تبریز به همراهی عده ی قلبی از مبارزین مسلح به سوی تهران حرکت کرده و در مسیر راه، همه جا تا تهران مورد استقبال بینظیر توده های مردم قرار گرفتند. ارتجاع و بزدلان ترسان از ادامه پیشروی انقلاب که این دو گرد آزادی را بعنوان صید گرانبها در چنگ داشتند؛ در انتظار فرصت مناسب بودند تا تیرهای زهر آگین خود را در آنها فرو کنند. این فرصت به بهانه ی خلع سلاح دسته های مختلف مجاهد مستقر در تهران بدست آمد. طبقات دارا به دلیل شیدای و حيله گری ذاتی طبقاتی شان، ابتدا بین دسته های مجاهدین اختلاف انداخته، عده ای از آنها را با خود همراه کرده تا بعد از قلع و قمع یاران ستار و باقر، در سر فرصت به حساب خود آنها نیز برسند. که متأسفانه چنین نیز شد. اما فعلا نوک پیکان حمله ی دشمنان آزادی مجاهدان آذربایجان بود. این بود که در تیر ماه ۱۲۸۹ شمسی ۱۹۰۹ میلادی با توپ و شصت تیر به سر مجاهدین مستقر در پارک اتابک که محل استقرار ستارخان بود ریخته و به کشتار مدافعين جنگ یازده ماهه تبریز پرداختند. در حین یکی از نبردها تیری به زانوی سردار خورده و او را از پا انداخت. تیری که زخم جانکاه آن در چند سال بعد یعنی در ۲۵ آبان ۱۲۹۳ شمسی برابر با ۱۶ اکتبر ۱۹۱۴ میلادی سردار بزرگ و افسانه ای مردم آذربایجان و ایران را برای همیشه از نفس انداخت.

سردار به مانند تمام رهبران جنبشهای آزادیخواهی آذربایجان نظیر بابک خرمین، باقر خان، علی مسیو، حاجلی دوا فروش حیدر خان، پیشه وری و... مخالف دخالت مهاجمین خارجی، استعمارگران و امپریالیستها در امور داخلی ایران بود و همه ی آنان آزادی و عدالت اجتماعی را برای تمام مردم ایران بی توجه به مذهب و ملیت آنها میخواستند.

یاد ستار خان این فرزند شایسته ی خلق آذربایجان، به عنوان گرد آزادی و رهبر خود ساخته ی انقلاب مشروطیت برای همیشه در دل تاریخ ثبت گردیده است. ■

مصیبت داغدیدگان زلزله کردستان ترکیه و رقص و پایکوبی فاشیستهای حاکم بر ترکیه!

روز ۲۳/۱۰/۲۰۱۱ زلزله شدیدی جنوب شرقی ترکیه را که بخش کرد نشین این کشور را تشکیل میدهد به لرزه در آورد و ضمن تخریب بخش اعظم این ناحیه عده زیادی از مردم زحمتکش کرد در کردستان ترکیه را از پای در آورد و موجب داغ و اندوه فراوان گردید.

این در حالی است که حاکمان فاشیست بر ترکیه ضمن ابراز مسرت از وقوع چنین حادثه دلخراشی آن را انتقام الهی از کسانی میدانند که سربازان سرکوبگر آنانرا کشته اند. البته که بیان چنین اظهارات زبونانه ای از جانب فاشیستهای ترک حاکم بر ترکیه که در تهاجمات مکرر خویش بر خلق کرد همواره با ناکامی مواجه گشته اند عجیب به نظر نمیرسد. و این بیانگر اوج ضعف و در ماندگی سرکوبگرانی است که علیرغم اقدام به شیوه های سرکوبگرانه در انتظار آن میباشند تا شاید غضب الهی به یاری آنان بشتابد و شورشیان کرد را کشتار نماید.

اوج رذالت فاشیستهای ترک تا بدانجا رسیده که ضمن ابراز خوشحالی از وقوع حادثه طبیعی زلزله در مناطق کرد نشین از اعطای کمکهای مردمی و بین المللی به مردم آسیب دیده خورداری میکنند و تنها بخشی از کمکها را آنهم برای سربازان آسیب دیده خویش ارسال نموده اند. این در حالی است که فریاد کمکهای انساندوستانه؟! حکومت فاشیست ترکیه به مردم فلسطین گوش جهانیان را کر نموده است.

ترور معمر قذافی و ...

لیبی بزرگترین کشور سرمایه‌گزار و کمک‌کننده به کشورهای آفریقایی بعد از چین قرار داشت. لیبی با هفت کشور مصر، سودان، چاد، تونس،



الجزایر، نیجر و سودان همسایه است در شمال به دریای مدیترانه راه دارد. لیبی با منابع زیر زمینی سرشار و وسعت زیاد و ارتباط دریایی و موقعیت استراتژیکی طی صد سال گذشته برای غرب از اهمیت حیاتی برخوردار بوده و تا پایان جنگ جهانی اول مستعمره ایتالیا و در جنگ جهانی دوم بین آلمان و ایتالیا و انگلستان دست بدست گشته و پس از جنگ جهانی دوم با ضعف انگلستان و بقیه کشورهای شرکت‌کننده در جنگ جهانی دوم این کشور مستعمره آمریکا شد که با ایجاد پایگاه‌های نظامی و حمایت از ملک ادریس پادشاه لیبی عملاً این کشور را اداره می‌کرد.

با گسترش جنبش‌های آزادی بخش ملی برای استقلال در مصر عبدالناصر بقدرت رسید و حمله نظامی مشترک فرانسه و انگلستان راه بجایی نبرد و انقلاب مصر پیروز شد و شرایط برای استقلال دیگر کشورها فراهم شد.

معمر قذافی یک ناصریست بسیار محکم و استوار در سال ۱۹۴۲ متولد شد و در سالهای ۱۹۶۵ در دانشگاه نظامی تحصیل می‌کرد تحت تأثیر انقلاب مصر و عراق و دیگر کشورها در سال ۱۹۶۹ ملک ادریس پادشاه فرسوده این کشور را برکنار و ریاست شورای انقلاب لیبی را بعهده گرفت و پادگانهای آمریکا را برچید و بلافاصله با مصر همکاری همه جانبه‌ای را آغاز کرد و پیشنهاد اتحاد جماهیر عربی با شرکت مصر و سوریه را داد که اقداماتی نیز در این زمینه صورت گرفت ولی با درگذشت عبدالناصر این طرح توسط انور سادات پیگیری نشد.

حمله ناگهانی اسرائیل به کشورهای عربی در سال ۱۹۶۷ با پشتیبانی همه جانبه غرب ضربه کشنده‌ای بر پیکر اعراب وارد آورد در واقع آنها را فلج کرد این تجاوز و حمله در شرایطی صورت گرفت که اختلافات داخلی در شوری بر سر قدرت همچنان ادامه داشت تا سرانجام خروشچف برکنار و برژنف جای او را گرفت ولی دیگر دیر شده بود و غرب میخ خود را در خاورمیانه کوبیده بود و ارتش کشورهای عربی را متلاشی کرده بود.

قذافی با بدست گرفتن قدرت تمامی تلاش خود را برای مستحکم کردن اتحاد اعراب بکار برد وقتی مصر در زمان انور سادات الویت کشور را بازسازی اقتصادی با همکاری غرب گذاشت لیبی به اتفاق عراق، سوریه، الجزایر، یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین جبهه امتناع اعراب را بوجود آوردند تا سدی در مقابل تهاجم مجدد غرب و اسرائیل در منطقه ایجاد کنند که این سد عملاً تا پاشیدگی اتحاد شوروی ادامه یافت.

قذافی همانند صدام حسین سرعت اوضاع و وخامت آنرا دریافت و کوشش کرد تا از جنبشهای منطقه از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی و آنها را فعال نگاه دارد تا نقشه تهاجم غرب را به این منطقه محدود و تا حدودی کنترل کنند ولی غرب از اوضاع پیش آمده و تلاشی شوروی استفاده کرده و یکی یکی کشورهای عربی را از درون و بیرون مورد تهاجم قرار داد تا جایی که سرانجام عراق به اشغال در آمد و خمینی این مرتجع تاریخ بر سر قدرت آورده شد عراق متلاشی و به همراه افغانستان اشغال شد.

فشار بر لیبی که از سال ۱۹۶۹ تا به امروز درصاف مقدم مبارزه بود بشدت افزایش یافت آنهم در شرایطی که اتحادیه عرب در کنترل کامل ناتو و غرب در آمده بود. رهبران لیبی با درایت بی نظیر تلاش کردند تا اتحادیه آفریقا را با همکاری تمامی کشورهای آفریقایی ایجاد کنند که این طرح عملی شد حتی قذافی بریاست این اتحادیه بر گزیده شد.

لیبی تمام امکانات خود را در اختیار اتحادیه آفریقا گذاشت و از آنها رسماً خواست برای ایجاد ارتش دولتی تلاش کنند لیبی و بسیاری از کشورهای آفریقایی با انتخاب او با ما به ریاست جمهوری آمریکا مطمئن شده بودند که غرب در صدد اشغال و مستعمره کردن آفریقا بر خواهد آمد و چنین هم شد. سرازیر شدن سرمایه لیبی به کشورهای آفریقایی و شغال کردن ده ها

هزار جوانان بیکار آفریقا در لیبی که متجاوزان بسیاری از آنها را قتل عام کردند نتیجه همین سیاست بود آفریقا از همه امکانات سرمایه‌گزار لیبی بر خوردار شد و قذافی و حکومت او ارزشهای موجود را به طلا تبدیل کرده و دلار را بعنوان ارزش معتبر از دور خارج کردند. لیبی تمامی سرمایه‌ها را از غرب بیرون کشیده و به کشورهای آفریقایی از جمله آفریقای جنوبی منتقل کرد.

اینجا بود که طاقت غرب طاق شد و با گسترش بحران اقتصادی و مالی و کسری بودجه در کشورهای بی‌همانند ایتالیا که ورشکسته اقتصادیست، فرانسه که سال آینده انتخابات ریاست جمهوری دارد که یکی از نامزدهای بشدت منفور آن سارکوزی است که در صدد احیای امپراتوری ناپلئونی در جهان است و انگلستان پیر و فرسوده که نای دویدن ندارد و می‌خواهد همانند گذشته با نفت مفت و مجانی لیبی جانی تازه بگیرد.

حمله بیک کشور بسیار مدرن و کم جمعیت همانند لیبی و کشتن رهبر آنرا باید نمادی از جنایت پیمان نظامی ناتو در قرن بیست و یکم در نظر گرفت این اولین بار نیست که غرب دست به چنین جنایتی می‌زند کشتن دکتر سوکارنو در اندونزی، کودتا بر علیه دکتر مصدق و کشتن دکتر فاطمی وزیر امور خارجه وقت بشیوه جنایتکارانه، اشغال عراق و کشتن صدام حسین، حمله به یوگسلاوی و کشتن دکتر میلوسویچ، تلاش برای ترور فیصل کاسترو، ده ها بار تلاش برای کشتن چاوز و کودتا در ونزویلا و دیگر رهبران آمریکای لاتین، کشتن یاسر عرفات در فرانسه، کشتن و قطعه قطعه کردن پاتریس لومومبا در کنگو، کشتن سالوادور آلنده در شیلی و ده ها نمونه دیگر.

غرب با تدارک نیروی نظامی و آموزش آنها در مصر و تونس و فرستادن آنها بداخل لیبی از طریق مرزهای این دو کشور و حمله از طریق هوا و دریا به لیبی و استفاده از جنایتکاران جنگی که آنها را در عراق و افغانستان آموزش داده بود و بمباران شبانه روزی بیش از هشت ماه کشور مدرن لیبی را با خاک یکسان و هزاران نفر را قتل عام کرد.

غرب در تصور این است که با نفت و جنایت بر علیه مردم لیبی به اوضاع اقتصادی بیمار خود سرو سامان خواهد داد. با بمباران این کشور و صدور آدم‌کشان حرفه‌ای آموزش دیده ناتو که در لباس نیروهای ضد لیبی در آمده اند این درس را بهمه مخصوصاً به کشورهای آفریقایی داده است فقط مقاومت و مبارزه است که امپریالیسم هار را از میدان بدر میکند. نتیجه این جنگ تا کنون بیش از ۷۰,۰۰۰ کشته و بیش از دویست هزار نفر زخمی گزارش شده است سواى آنکه میلیاردها دلار خسارات مالی به کشور وارد آمده است.

حکومت و مردم لیبی نه تنها با مقاومت از حیثیت انسانی خود بلکه از حیثیت جهانی دفاع کرده و میکنند آنها نیروهای ارتجاعی ناتو را مضحکه خاص و عام کردند تا آخر ایستادند و چه خوب هم ایستادند. ناتو فکر می‌کرد کار این کشور با جمعیت کم را در عرض چند روز یکسره خواهد کرد ولی مقاومت و نفرتی که این جنگ در بین مردم جهان بر علیه متجاوزان ایجاد کرد انگیزه مقاومت و دفاع از منافع ملی را در بین کشورها صد چندان تقویت خواهد کرد.

اشتباه بزرگ قذافی و حکومت لیبی این بود که شرایط را برای انتقال تدریجی قدرت آماده نکرده بودند در حالیکه ضرورت این مسئله سالها پیش احساس میشد. تجربه‌ای که از سقوط کشورهای اروپای شرقی سابق داریم نشان میدهد که چگونه غرب توانست از فرصت و ضعف این کشورها استفاده کند و اوضاع را بفع خود تغییر دهد. قذافی همانطور که در وصیت نامه خود اشاره کرده از انتظارات قشر متوسط جامعه که بشدت فربه شده بود و در انتظار شرکت در حکومت و دولت بود قافل مانده و این مسئله را جدی نگرفته بود. اگر چه لیبی شرایط بحرانی و منافع استراتژیکی غرب را بدقت مورد مطالعه قرار داده بود ولی توان جلوگیری از تهاجم غرب را نداشت.

وقتی بحران مصر شروع شد تأثیر این کشور و موضع‌گیریهای مصر نشان داد که مصر تا چه اندازه در سرنوشت خاورمیانه نقش بازی میکند این مصر بود که تدارک باز کردن مرزهای این کشور و تونس را برای تجاوز

بقیه در صفحه ۷

بیم و امید

برزین آذر مهر

شبی خفاش گون باپنجه‌های خون
فشانش بسته ره بر من.

نه بر چهر سپهر تیره فامش اختری
پیدا

نه دلمرده چراغی بر نشیب
پرتگاهش گاه سوسوزن.

صدای بال بالی نه

زبوف آشیان گم کرده حتی گاه آهی
نه

در این ماتمگه جانسوز وبی تسکین
که رویابیش، به کابوسی ست مانده

نمی‌گردد زمان

جز در مدار ی بسته و سنگین،

زمین بر محور بیمار خود

غمبار می چرخد،

دلش از زخمه های شب

بسی خونین ،

نگاه بی‌قرارش

سرد و ماتم زان،

زابر قیر گون "شب سفر"

از درد آکنده،

تن پائیزیش

چون بید لرزنده،

به چنگ باد غارتگر

چو حیران زائری

زار و سرافکنده!

به روی شاخه‌ای خشکیده و بی‌بر

نشسته مرغ جادوگر

ومی‌خواند به هر دم سحر پرافسون

برای کاروان‌های به ره مانده

که در پیچ و خم سخت کمر گاهان

به چه مانده.

چه رویایی ست افسونگر!

که حلقه می زند بر در!

از این خواب گران بر خاستن
خواهی؟!!

به اوج قلعه‌ها ره یافتن خواهی؟!!

در این وادی

چه می‌جویی؟!!

نمی‌یابی مگر

آنی که می‌پویی؟

سخن از داد

گه،

گویی؟

گه از بیداد

می‌گویی؟

سخن از بردگان در نما

آزاد می‌گویی؟

چه داری توشه

اندر کوله بار خویش؟

چه راهی داری اندر پیش؟

بهشتی که

تو بر پا داشتی

با خون دل دیروز،

چه شد از ابری و بارانی

فرو پاشید؟

چه شد آخر بگو!

آن بی‌کرانه افتخار تو؟

چه شد آن قلعه‌های فتح بار تو؟

ندای هُ دُ هُ دُ ت

چون شد؟

چرا بانگی نیامد زان سر چاوش
سرای تو؟

نسیمی

از بهشت و عده‌های تو؟

ز سیمرغ ات نشانی مانده آیا بر بلند
کوه

به غیر از گرتنه ی دیرینه ای که
مانده از اندوه؟

بگو یارا!

بگواز رستم مردم تبارت نیز!

زگرد بی‌مثالت نیز!

بگو از سم اسبان

که می‌کو بید و

ره می‌برد

رخسینه،

به هفت خوان هزاران توی دوران
ها

کنون مانده غباری از امید آیا

بروی سنگفرش سرخ میدان‌ها؟

و یا

آن که فتاده خود ز پا

دور و

جدا از توده ی مردم

فرو رفته به قعر چاه افسون‌ها؟

گرش

بر سر بلایی این چنین آمد

نه زان رو بود

که

همواره

بر سوی خطا می رفت؟

بگوای شیپر مغموم!

تو که بال و پردریائی ات

از یأس یخ بسته،

دل دریایی ات

از لرزه ی گنداب‌ها خسته

تو با این خستگی،

پر بستگی-

با بال سرب و سنگین

چگونه می‌توانی پر زنی آزاد؟

چگونه پر کثی بر قلعه‌های باز؟

چگونه بر کنی قندیل‌ها را

از دهان صخره‌های هار؟

چگونه خواهی از زنجیر شب
رستن؟

رهیدن از زمستان‌های این سان
سرد و طولانی

و پیوستن به تابستانه‌های گرم و
نورانی

بود کار توای در وهم خود،

یک عمر زندانی؟!!

بهشتی که تو می‌جویی

مگر آن نیست کاندرچنگ خود
داری؟

جهان این است و

راحت این!

نباشد چاره ای

جز سازش و

تمکین!

در آن سوتر

میان بیشه ی انبوه

در آن جایی که از هر سوی رگبار

خطر خیزد

فراهم آمده خیلی ز مرغان دگر

اندیش

به سر شوری و در دل موجی از
غو غا

که در سر

گویی آهنگی و فرهنگی دگر دارند
وکجتایی شب راهیچ طوری بر نمی
تابند

و بر هر تازه راهی

شبچراغی بر فراز راه می‌گیرند،
و "ره" از "چه" مشخص می‌کنند

بهر کسانی که

به تاریکی شب

پا می‌نهند در راه.

و هر دم

باتکاء دانش و تدبیر حاصل از نبرد
کور

توان و ضعف دشمن را

گمانه می‌زنند

سنجیده و روشن،

و هم با چند و چون کار خود هر دم
توازن می‌دهند بر موج آگاهی،

نمی‌جویند بهر داوری

افکار غالب را

مگر دانسته‌های رسته بر کوه
تجارب را.

و هرگز از برای بر شدن از پله‌های
قدرت و شهرت

نمی‌آرند دست بر صد هزاران
حیله و ترفند،

و مردم را نیندارند

همچون مهره ای گردان

که آسان می‌توانش داد بازی

یا

کشاندش سوی قربانگاه

نی اند ز آنان که آماده کنند

دیگر بساطی بهر استعمار،

به دور از کید و شیادی و چند رنگی
نمی‌خواهند هرگز بهر خود

چیزی فزون از آن

که می‌خواهند هر دم از صمیم جان
برای توده ی مردم.

به دور از هر جنون قدرتی

بقیه در صفحه ۷

ترور معمر قذافی و ...

سازمان ملل بود.

۵. ۱۲ مارس اتحادیه عرب به دستور آمریکا و ناتو در خواست ممنوعیت پرواز در فضای لیبی را کرد.

۶. ۱۳ مارس ارتش لیبی بسمت بنغازی حرکت کرد تا شهر را بمحاصره خود در آورد. در این شهر مزدوران تربیت شده ناتو در مصر به همراه کماندوهای ویژه ناتو مستقر شده بودند تا از شهر دفاع کنند.

۷. ۱۷ مارس سازمان ملل تحت فشار بی سابقه آمریکا و کشورهای عضو ناتو کنترل هوایی لیبی را از طریق نیروی نظامی بدون محدودیت تصویب کرد. فرانسه، انگلیس و ایتالیا تهدید کرده بودند بدون مجوز سازمان ملل هم به لیبی حمله خواهند کرد. هدف از این مصوبه جلوگیری از جنگ بین طرفهای درگیر بود ولی ناتو عملاً طرف مزدوران خود را گرفت.

۸. ۱۹ مارس تنها یک روز پس از تصویب این قطعنامه غرب حملات مرگ بار خود را به لیبی از طریق هوا و دریا آغاز کرد و شروع به نابودی تاسیسات زیربنایی لیبی کرد که هنوز ادامه دارد.

۹. ۱۰ آوریل حکومت لیبی پیشنهاد آتش بس فوری اتحادیه آفریقا را پذیرفت و قبول کرد هر پیشنهادی که اتحادیه آفریقا ارائه کند مورد قبول این کشور واقع خواهد شد.

۱۰. ۱۱ آوریل ناتو، آمریکا و مزدوران آنها این پیشنهاد را رد کرده و آنرا منوط به کناره گیری قذافی از قدرت کردند.

۱۱. ۳۰ آوریل جوانترین پسر قذافی به اتفاق سه تا از فرزندان در حمله هوایی کشته شدند هدف شخص قذافی بود که در محل حضور نداشت.

۱۲. ۲۷ ژوئن دادگاه بین المللی دستور بازداشت قذافی و پسر بزرگ او را تحت عنوان جنایتکاران جنگی صادر کرد که خود آمریکا این دادگاه را قبول ندارد. این دادگاه اهرم فشار غرب به شخصیت ها و کشورهای است که با سیاست آمریکا و غرب مخالفت میکنند.

۱۳. ۱۴ آگوست در پی بمباران دائمی ناتو صفییه شهر نزدیک به تریپولی که خالی از جمعیت بود به اشغال ناتو و مزدوران آن در آمد.

۱۴. ۱۹ آگوست با پشتیبانی ناتو و بمباران دائمی مناطق سلتنین در غرب لیبی بتصرف ناتو در آمد.

۱۵. ۲۱ آگوست ناتو و مزدوران آن با بمباران فشرده و باز کردن یک چهارراه صلیبی در تریپولی و با حمایت کامل هلیکوپتر وارد میدان اصلی شهر شدند در این اقدام جنایت کارانه هزاران نفر کشته و شهر ویران شد.

۱۶. ۲۳ آگوست باب العزیز یا همان منطقه سبز تریپولی پس از ویرانی کامل اشغال شد که بعدا همه تاسیسات آن غارت و منفجر شدند.

۱۷. ۲۹ آگوست همسر و دختر و پسران قذافی از مرز خارج شده و به نیجر رفتند.

۱۸. ۱۱ سپتامبر با بمباران فشرده و بی سابقه شبانه روزی در دو شهر بانی والی و سیرت ناتو تلاش کرد تا این دوشهر را به تصرف خود در آورد این دوشهر در لیبی به استالین گراد لیبی معروف شده اند.

۱۹. ۱۶ سپتامبر سازمان ملل با شروط کرسی لیبی را به شورای به اصطلاح انتقالی منتقل کرد در این روز مزدوران غرب به اوپاما گزارش کردند که ۲۳۰۰۰ نفر در لیبی کشته شده اند در حالی که تعداد کشته شدگان تا این تاریخ بیش از دوبرابر بود. سازمان ملل موافقت کرد تا مقداری از دارایی های ذبط شده لیبی آزاد شود در این مورد بعثت اختلاف شدید بین کشورهای که در لیبی منافی دارند قرار بر این شد تا با نظارت کامل سازمان ملل مسئله مالی حل و فصل شود.

۲۰. ۱۷ اکتبر نیروهای ناتو منطقه بانی والی را پس از با خاک یکسان کردن به اشغال خود در آوردند.

۲۱. ۱۹ اکتبر در حالی که چیزی از شهر بانی والی باقی نمانده بود و شبانه توسط چتر بازان ناتو تماما تحت کنترل قرار گرفته بود مزدوران غربی وارد شهر شدند و جنایتی را در آنجا بنمایش گذاشتند که فقط در زمان هیتلر میشد مشاهده کرد. ■

بقیه از صفحه ۶

مگر آنی که از شور درون

پوینده و رویاست،

چو آن موجی که

در دریا،

توفنده!

چو آن رنجی که

زاینده!

چو آن دستی که

سازنده!

چو آن روحی که

کاوونده!

چو آن دادی که

بر بیداد

تازنده!

چو آن عشقی که

دارد

رنگ آینده! ■

بیم و امید ...

هر لحظه می بیند

حقیقت را کماهی با دو چشم باز،

به لغزش ها و انبوه کشاکش های

ره

ره می برند

هر بار پیشاپیش.

که اینان خود

پل پیغام و پیوندند

و با علم به دشواری

به ره همواره می خوانند:

”جهان تیره ست و

شب سنگین و

بی چهره،

در این دهشت سرا

هرگز نخواهد رُست بر شاخی

گلی زیبا و بایسته

نشریه کمیته های سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

دنیای ایشچیری بیرلشین!



دان الدوزو

Dan Ulduzu

Birləşmiş kommunist fedailerin Azərbaycan komitəsinin baş organı

بیرلشیش کمنیست فدائی لرون آذربایجان کمیته صلیبی باغون لرونک



برای دریافت نشریات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به سایت سازمان مراجعه نمایید

www.fedayi.org



Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات، مقالات، اطلاعاتیه ها و

نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.org

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر
تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

ترور معمر قذافی و ...

غرب به لیبی گشود و همه امکانات خود را همانند جنگ عراق در اختیار ناتو قرار داد. تکیه تنها و بیش از اندازه به اتحادیه آفریقا که هنوز پخته و استخواندار نشده کافی نبود تا لیبی بتواند با این پشتوانه از منافع ملی کشور دفاع کند.

موضع گیری مسئولان کشورهای وابسته به غرب :

دبیر کل اتحادیه عرب نبیل العربی از کشته شدن معمر قذافی استقبال کرده و او را مستبد خوانده است. دبیر کل انتصابی اتحادیه عرب نگفت تا چه مدت این اتحادیه و هیئت حاکمه مصر آویزان آمریکا و غرب خواهند بود آقای العربی نگفت اگر آمریکا کمک دومیلیارد دلاری را به مصر قطع کند همچنان بلبل زبانی خواهد کرد یا نه ؟

سخنگوی دولت دست نشانده عراق گفت سرنوشت قذافی سرنوشت رهبران مستبد عرب است ولی نگفت که جایگاه دولت پوشالی عراق در کجاست ؟ و نگفت در چه زمانی غرب دولت عراق را همانند مبارک و دارودسته او حقیرانه از دور خارج خواهد کرد.

نوری مالکی نخست وزیر و یکی دیگر از اعضاء فعال سازمان سیا و جنایت کار حرفه ای در عراق و منطقه خاورمیانه یکی دیگر از مزدوران غرب کشته شدن قذافی را به مردم لیبی تبریک گفت.

مک کین سناتور جنایت کار و خون آشام راست جمهوریخواه، نخست وزیر انگلیس، نخست وزیر آلمان، رئیس جمهور آمریکا، دبیر کل سازمان ملل و ترکیه هم ترور معمر قذافی را به بخودشان تبریک گفتند و اعلام کردند آماده اند تا هزینه کشتار ده ها هزار نفری و ویرانی را که در لیبی ببار آورده اند از مردم زحمتکش لیبی طلب کنند در واقع در آمد و ثروت این کشور را به یغما ببرند.

مقاومت لیبی نشان داد که غرب با همه هارت و پود تا چه اندازه ضعیف شده است روزگاری همین امپریالیسم از طریق کودتا مسئله را حل میکرد ولی امروز با تمامی توان خود وارد جنگ با یک کشور کوچک همانند لیبی میشود و این کشور توانسته است بدون کمک دیگران بیش از نه ماه با مقاومت خود پوزه اش را بخاک بمالد.

لیبی از یک انقلاب مردمی برای استقلال ملی و در مبارزه با استعمار بوجود آمده است این مردم کسانی را که دسترنج ده ها ساله آنها را بنابودی کشانده اند هرگز نبخشیده و فراموش نخواهند کرد. لیبی دارای ارتش منظم نبوده و مردم مسلح یاد گرفته اند چگونه از منافع خود دفاع کنند یکی از دلایلی که ناتو جرات نکرد با پیاده نظام وارد این کشور شود وجود همین ارتش توده ای است. اوضاع نشان میدهد گروه های جنایتکار مختلفی که با کمک ناتو در گیر جنگ شده اند و کشور را بنابودی کشانده اند بزودی بجان هم خواهند افتاد و این فرصتی خواهد بود تا مردم لیبی کار آنها را یکسره کنند.

کرونوگرافی جنگ جنایتکارانه غرب و ناتو در لیبی :

۱. فوریه سیف الاسلام پسر بزرگ قذافی اخطار کرد که احتمال جنگ داخلی در لیبی بسیار زیاد شده است.

۲. فوریه اتحادیه عرب بدستور آمریکا و ناتو عضویت لیبی را در این اتحادیه لغو کرد دلیل اصلی آن فعالیت کم رنگ لیبی با اتحادیه عرب و همکاری همه جانبه لیبی با کشورهای آفریقایی بود

۳. فوریه به پیشنهاد چند کشور عربی از جمله قطر و لبنان شورای امنیت محاصره اقتصادی لیبی را بتصویب رساند.

۴. ۱ مارس سازمان ملل عضویت لیبی را در سازمان ملل لغو کرد تصویب این مصوبه تهدید یک جانبه غرب و ناتو برای حمله به لیبی بدون مجور

بقیه در صفحه ۷